

## نگاهی جرم شناختی به تأثیر تغییر جنسیت در کانون خانواده از منظر فقه و حقوق کیفری

محمود ابراهیمی<sup>۱\*</sup>  
دکتر رحیم وکیل زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

«تغییر جنسیت» یعنی تبدیل جنس پسر به دختر و بالعکس می باشد. مباحث مربوط به افراد خنثی یا دو جنسی، یک پدیده نو ظهور محسوب نمی شود، بلکه از گذشته تاکنون افرادی به عنوان خنثی یا بیمار جنسی در جوامع بشری می زیسته اند. تغییر جنسیت طلبی و مبدل پوشی، دو نوع از انواع انحرافات جنسی می باشند. در زمینه تعریف تغییر جنسیت میان حقوقدانان، جامعه شناسان، زیست شناسان، روان شناسان، علمای علم اخلاق و روانپزشکان توافق کامل وجود ندارد. با توجه به اهمیت خانواده، شناسایی آسیب های این نهاد نیز حائز اهمیت است. پژوهش حاضر مسائل تأثیر تغییر جنسیت بر ارتکاب جرائم نامشروع را بررسی می کند، همچنین در این تحقیق مباحث مختلف مسأله تغییر جنسیت از حیث جرم شناسی پرداخته می شود و در نهایت تغییر جنسیت از حیث سیاست قضایی، بررسی می گردد.

**واژه های کلیدی:** تغییر جنسیت، خانواده، جرم شناسی، سیاست قضائی، مجازات.

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات آذربایجان شرقی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، تبریز، ایران  
eb\_mahmoud@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، تبریز - ایران

## مقدمه

خانواده به دلیل اهمیت و جایگاه آن در حیات بشری از دیرباز مورد توجه بوده است و اندیشمندان و صاحب نظران با رویکردهای دینی، اخلاقی، فلسفی و حقوقی به مطالعه و بررسی خانواده پرداخته‌اند. امروزه کارکردهای بسیاری برای خانواده در نظر گرفته می‌شود. کارکردهایی همچون تولید مثل، جامعه پذیری، کنترل اجتماعی، حمایت و مراقبت و ... نشان دهنده اهمیت روز افزون نهاد خانواده در جوامع امروزی است. یکی از مسائلی که در چند دهه‌ی اخیر در اکثر کشورها مطرح شده، مسأله تغییر جنسیت است که در نگاه نخست به صورت یک موضوع پزشکی خود نمایی می‌کند، اما باید به این نکته توجه داشت که هر پدیده و تکنیکی که نزد سایر ملت‌ها حادث می‌گردد، جهت به کارگیری باید آن را با امور معمول و متعارف جامعه و اعتقادات آن جامعه مقایسه کرد و اشکال و نواقص آن را بر طرف نمود.

تغییر جنسیت به معنای تغییر جنس پسر به دختر یا بر عکس، زمینه ساز پرسش‌های فقهی و حقوقی است. در هر حال مسأله تغییر جنسیت از موضوعات بسیار گسترده و چند جانبه است که ارائه تحقیقی جامع در مورد تمامی زوایای آن، امری دشوار به نظر می‌رسد. با توجه به ارتباط موضوع تغییر جنسیت با مسائل فقهی از یک سو و پیوند آن با مسائل اخلاقی از سوی دیگر، بحث کامل و جامع در مورد آن بسیار مشکل می‌باشد. چون موضع تغییر جنسیت در پایه‌های اولیه فقه مطرح نبوده و جدید است. بنابراین، نیاز به تبیین بیشتر با بررسی کلیه ابعاد دارد. آنچه موضوع تغییر جنسیت را از اهمیت زیادی برخوردار می‌کند، پیشرفت تکنولوژی، توسعه دانش پزشکی و امکان تغییر جنسیت است.

اولین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ شمسی اتفاق افتاد که بر اساس آن مردی در یک عمل جراحی تبدیل به زن شد. عمل جراحی مذکور توسط فردی به نام دکتر خلعتبری انجام شد. وی با عمل جراحی پسر هیجده ساله‌ای را به زن تبدیل کرد و خبر آن در روزنامه‌های آن زمان منتشر گردید. از آنجایی که این عمل جراحی در نوع خود کم نظیر و بلکه بی نظیر بود، با دقت و وسواس زیادی از جمله اخذ رضایت نامه کامل از بیمار انجام شد.

در قوانین مختلف و بخصوص قانون مجازات اسلامی صراحتاً به جرم مبدل پوشی اشاره نشده است. اما به نظر می‌رسد که برای مجازات کردن چنین منحرفان، می‌توان

به قسمت ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی استناد جست که مقرر می‌دارد: هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر... مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

البته باید توجه داشت که بسیاری از مبدل پوشها، غالباً در تنهایی و در حالی که کسی در کنار آنها حضور فیزیکی ندارد، لباس جنس مخالف را می‌پوشند. البته در بعضی از مبتلایان به هم جنس بازی بعضاً مبدل پوشی دیده می‌شود که همانطور که بحث شد، دو انحراف مذکور از یکدیگر متمایز بوده و در واقع علت اینکه گاهی هم جنس گرایان، مبدل پوش می‌شوند، معمولاً رسیدن به اهداف هم جنس‌گرایانه آنها است، نه صرفاً ارضا شدن جنسی با مبدل پوشی.

بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی تغییر جنسیت: واژه تغییر جنسیت از دو کلمه تغییر و جنسیت تشکیل شده است. در مورد معنای واژه «تغییر» گفته شده است: الف. تغییر شی، یعنی تحویل و تبدیل آن به شی دیگر، یا آنکه آن شی را به غیر آنچه هست تبدیل نماید؛ (معلوف ۱۳۶۷، ۵۶۳).

ب. تغییر عبارت است از ایجاد یک شی به گونه‌ای که قبل از آن چنین نبود. ج. مراد از تغییر هرگونه تبدیل و دگرگونی است که ممکن است وضعیت یا حالات یک شی را عوض کند به گونه‌ای که وضعیت جدید با وضعیت سابق از یک جهت یا جهات متعدد دارای تفاوت و دگرگونی باشد.

این معنا در زبان فارسی و عربی یکسان است که در ذیل به چند نمونه از اقوال اهل لغت اشاره می‌شود (الجرجانی، ۸).

مفهوم تغییر جنسیت از دیدگاه علوم پزشکی: به نظر می‌رسد واژه تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی با معنای لغوی آن و آنچه که در میان مردم شایع است تفاوت چندانی نداشته باشد و منظور از آن تبدیل یا اصلاح آلت تناسلی است به گونه‌ای که جنس زن به مرد و یا برعکس تبدیل شود و همچنین تبدیل خنثی و یا دو جنسی «هرمافرودیت» به یکی از دو جنس مرد یا زن به معنای تغییر جنسیت است. در یک کلام می‌توان گفت به تبدیل، اصلاح و یا تغییری که در جنس فرد به وجود آید به گونه‌ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او دارای تفاوت باشد، عنوان «تغییر جنسیت» صادق است.

بنابراین تغییر جنسیت با تغییر ژنتیکی یا تغییر کروموزوم ها متفاوت است؛ زیرا در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی کند، بلکه تغییرات یا اصطلاحاتی نسبت به ژن یا کروموزوم افراد صورت می پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر یا اصلاح ژن ها، دگرگونی هایی در رفتار، اخلاق و حالات شخص پدید می آید ولی هیچ گاه به وضعیت جدید به وجود آمده، تغییر جنسیت گفته نمی شود.

مفهوم تغییر جنسیت از دیدگاه فقه: «فقهای که درباره تغییر جنسیت سخن گفته اند، معمولاً درباره معنای فقهی آن سخنی بیان نکرده اند و در حقیقت منظور آن بزرگواران از این لفظ، همان معنای لغوی و عرفی تغییر جنسیت بوده است. از این رو، آیت الله علی مشکینی در این باره چنین می گوید: «عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن روشن و آشکار است و غرض از آن، بیان حکم شرعی مردم است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است» (مشکینی، بی تا، ۱۵۳).

صفات شخصیتی افراد با جنسیت مضاعف از دیدگاه روانشناسی کیفی: عرف عام از آنچه شخصیت را تشکیل می دهد، به طور کلی به جای توانایی هوشی به صفات فرد توجه کرده است. واژه هایی همچون پرخاشگر، ستیزه جو، بدبین، کم دل، گوشه گیر، دوست خو، یاری رسان، خوش برخورد، برای توصیف یا بیان اثرپذیری های برخی از این صفات به کار می رفته اند. آزمون های روانشناسانه برای سنجش تفاوت های شخصیتی، کم و بیش به موازات آزمون های هوش گسترش یافته اند. به ناگزیر، بزهکاران و مجرمان، برای کشف این مسأله که چگونه شخصیت هایشان از شخصیت های بزه ناکردگان و نامجرمان متفاوت است، با این «سیاهه های شخصیت» مورد آزمون قرار گرفته اند.

آسیب های اجتماعی هدف در تغییر جنسیت کدامند؟ به نظر می رسد از چند جهت، مسائل خانوادگی، شغلی، اجتماعی، فرهنگی و... با تغییر جنسیت (چه قانونی و مشروع و چه نامشروع) مورد آسیب قرار می گیرند که باید برای آن ها چاره ای اندیشید.

- مسائل خانوادگی
- مسائل عاطفی
- مسائل شغلی

- مسائل اجتماعی

- مسائل فرهنگی

مسائل خانوادگی: شخص با تغییر جنسیت ممکن است نتواند، (خواهر جدید) یا (برادر جدید) یا (...) شود زیرا بر نقش قدیم عادت کرده و اکنون نمی تواند حالات و روحیات جنسیت کنونی را به خود بگیرد. اینجاست که ممکن است سر خورده و منزوی شود و نتواند به ایفای نقش خود بپردازد. دچار شکست عاطفی، تحصیلی، شغلی و... می گردد. همچنین ممکن است دیگر اعضای خانواده نتوانند جنسیت جدید او را هضم کنند و برای آنها غیر قابل درک باشد که برادر آن ها اکنون (خواهرشان) می شود یا ... این مسأله برای کسانی که در وضعیت خاصی به سر می برند، بیشتر حائز اهمیت است. من جمله درک و هضم مسأله برای اطفال خردسال، فوق العاده پیچیده است. هر چند که به اعتقاد برخی پدر با تغییر جنسیت به (مادر) تبدیل نمی شود و مادر هم با تغییر جنسیت به (پدر) تبدیل نمی گردد. لیکن با ادامه وضع بدین منوال وقتی اطفال می بینند که رفتارها، پوشاک و طرز برخورد پدر و مادر آنها کاملاً مشابه است، دچار دوگانگی می شوند.

▪ (اگر این پدرم است پس چرا مثل مادرم لباس می پوشد؟)

▪ (چرا پدرم مثل مادرم، با خانم ها ارتباط صمیمانه برقرار می کند؟)

سؤالاتی از این قبیل مشاهدات عجیب، مرموز و پیچیده ذهن کودک خانواده را به شدت مشوش می کند. این موضوع اگر بعداً به آسانی برایش حل نشود از جهت شخصیتی دچار مشکلات گوناگون می گردد، از جمله:

۱- عدم اعتماد به نفس؛

۲- دروغگویی؛

۳- عدم ثبات در گفتار و اختلال در تکلم؛

چنین کودکی حتی در محیط مدرسه بامشکلاتی مواجه می شود. کتابهای درسی از طریق انتقال مفاهیم خانواده، مسائل عاطفی، ... مطالبی را به او القاء می کنند که او در خانواده خود، آن ها را کاملاً برعکس و غیرمنطقی می بیند.

مسائل عاطفی: گاه شخص قبل از تغییر جنسیت، نسبت به مادر، پدر، برادر، خواهر، عمه، عمو، خاله، دایی، پدر بزرگ، مادر بزرگ و افرادی مانند یک دوست علاقه خاصی نشان می‌دهد، اکنون که تغییر جنسیت داده، حس می‌کند دیگر آن احساس و علاقه قبلی اولیه را به مادر، پدر، برادر، خواهر را ندارد و هر کاری می‌کند نمی‌تواند در دلش نسبت به آن‌ها محبت ایجاد کند. این قضیه ممکن است او را از حیث روانی مورد آزار قرار دهد و باعث شود ناکامی‌های ایجاد شده از این طریق روابط او را با اعضای خانواده به شدت کم‌رنگ و ممکن است تبعات این قضیه او را بسوی جرم سوق دهد.

مسائل اجتماعی: اگر شخص فرضاً یک نویسنده یا صاحب نظر سیاسی باشد قطعاً با تغییر جنسیت، وضعیت ویژه پیدا خواهد کرد و در اجتماع ایفای نقش او دچار تغییر یا اشکالات عمده خواهد شد.

چگونه می‌توان انتظار داشت زنی که قبل از تغییر جنسیت در حمایت از حقوق زنان و شرکت دادن آنها در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی صاحب نظر بوده، اکنون که به مرد تغییر جنسیت داده بتواند خلاف آن نظرات را بگوید؟ یا چگونه می‌توان انتظار داشت نظراتش را بیان نماید که پخته‌تر علمی‌تر و کاربردی‌ترند؟ به هر حال امکان آن کم است.

مسائل فرهنگی: از جهت فرهنگی باید پذیرفت نمی‌توان تصور کرد. اشخاصی که تغییر جنسیت داده‌اند همانند اشخاص دیگر بتوانند در جامعه نقش فرهنگی خود را در مناسبات ایفا کنند. شخص تغییر جنسیت داده بویژه آن‌هایی که بعد از ازدواج تغییر جنسیت می‌دهند و آن‌هایی که به دلایل واهی اقدام به تغییر جنسیت می‌نمایند نمی‌توانند از جهت فرهنگی، آن‌طور که شاید و باید الگو باشند. در هر جامعه و حتی خانواده نقش الگوها برای پیش برد اهداف جامعه و حرکت آن در راستای تعالی بسیار حائز اهمیت است. اشخاص تغییر جنسیت داده نوعاً برای جوانان فاسد، بدکار، علاقه‌مند به تنوع بی‌اندازه، ولگرد، منحرف اخلاقی، بیماران جنسی الگو هستند. الگو کسی است که از جهت معنوی، ظاهری، (سابقه علمی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی) ارتباطی در سطح بالایی از کمال قرار داشته و دیگران او را به عنوان اسوه‌ای برای کارهای خود در نظر می‌گیرند.

تأثیر تغییر جنسیت بر عناوین خانوادگی: هر گاه فردی تغییر جنسیت دهد چه تأثیری بر عناوین خانوادگی مانند: برادر، خواهر، عمه، دایی، خاله، و حتی پدر و مادر دارد؟

پس از تغییر جنسیت قرابت نسبی از بین نمی رود چنانچه « فرزند» تغییر جنسیت دهد وی همچنان فرزند همان پدر و مادر است به عبارت دیگر رابطه یا نسبت « پدر و فرزند» و نیز نسبت « فرزند و مادر» در قبل و پس از تغییر جنسیت تغییر نمی کند. ولی هر گاه برادر تغییر جنسیت دهد، خواهر می شود و هر گاه خواهر تغییر جنسیت دهد برادر می شود و هر گاه « دو برادر» تغییر جنسیت دهند به « دو خواهر» تبدیل می شوند و بر عکس. و نیز هر گاه عمو تغییر جنسیت دهد به عمه تبدیل می شود و هر گاه عمه تغییر جنسیت دهد به عمو تبدیل می شود و همین حالات در تغییر جنسیت دایی و خاله نیز متصور است.

اما در مورد پدر و مادر، هر گاه پدر تغییر جنسیت دهد به « مادر» تبدیل نمی شود و نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد به عنوان پدر شناخته نمی شود زیرا جامعه نیز با مواجه شدن با این تغییر و این فرد نمی گویند که این پدری است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن است ( نه مادر ) یا بر عکس این مادری است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر مرد است نه ( پدر ).

آیت اله محمد مومن در این باره می گویند: بعید نیست که ادعا شود پس از تغییر جنسیت مادر باز هم وی مادر و فرزندانش گفته شود. و دلیل این مدعا عرف است ( آیت اله محمد مومن کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة ، ۱۱۵).

دلیل دیگری که می توان بیان کرد صدق عنوان پدر و مادر بر اساس زمان انعقاد نطفه است از نظر شرعی، پدر کسی است که فرزند از نطفه ( اسپرم ) وی بوجود آمده باشد. پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر باید حالت سابق یعنی زمان انعقاد نطفه را ملاحظه کرد و نه حالت کنونی. از این رو امام خمینی (ره) می فرماید (ظاهر آن است که اختلاف آن در « ارث» به لحاظ انعقاد نطفه است).

البته کلام فوق در بحث ارث است ولی بحث « عناوین خانوادگی» با بحث ارث دارای ارتباط می باشد، بنابراین می توان گفت: اگر پدر تغییر جنسیت دهد زن فعلی مادر محسوب نمی شود چه اینکه شخص فعلی وضع حملی نداشته است و نسبت « مادر و فرزند» وقتی صحیح است که فرزند در رحم وی پرورش یافته و آن زن بچه را به دنیا آورده باشد.

رهیافت های علمی نظریه جرم شناسی در مورد جرایم ناشی از تغییر جنسیت: یکی از قدیمی ترین رویافت های علمی در نظریه جرم شناسی، بر ناهنجاری جسمانی و زیست

شناسانه به عنوان نشان ممیز مجرمان تأکید می کند. در این رهیافت، مجرمان، تا حدی متفاوت، نابهنجار، ناقص و بنابراین، به لحاظ زیست شناسانه پست تر تلقی می شوند. این گونه تصور می شود که این پستی زیست شناسانه، خصیصه های جسمانی معینی را به وجود می آورد که نمود مجرمان را از نمود نامجرمان متفاوت می سازد. جرم شناسان اولیه در تلاش برای شناسایی این خصیصه ها، نمود جسمانی مجرمان را مورد مطالعه قرار دادند. در این دیدگاه، نقصان و پستی زیست شناسانه، تبیین واقعی رفتار مجرمانه است- خصیصه های جسمانی و خصیصه های دیگر تنها نشانه هایی از آن پستی اند.

افسردگی معمولاً بعد از بسیاری از عمل های جراحی ایجاد می گردد که گاه موقتی است. مثل افسردگی بعد از ایمان در خصوص تغییر جنسیت هم ممکن است بعد از این عمل، شخص دچار افسردگی گردد. این افسردگی باعث می شود نتواند با اطرافیان رابطه مناسب ایجاد کند دچار وحشت، اختلال ادراک، لکنت زبان بشود و اگر، با اراده قوی و رژیم مناسب غذایی و درمانی، بفکر خود نباشد، ممکن است این افسردگی او را به سمت ارتکاب جرم بکشاند. اگر شخصی برای فرار از افسردگی اقدام به تغییر جنسیت داده، ممکن است، عمل در او تغییری ایجاد نکند زیرا گاه تلقین باعث می گردد فرد برای مدت ها بر حالت پیشین باقی بماند. در خصوص اختلالات دیگر مانند:

۱- انواع مانی و هیپومانی؛

۲- سایکوزها؛

۳- روان نژندی ها؛

۴- پیکر پاتی؛

۵- هیتری.

تغییر جنسیت ممکن است باعث تشدید آنها بشود زیرا تغییر جنسیت همه وجود شخص (مانند اعتقادات، رفتارها و ...) مذکور را تحت تأثیر خود قرار می دهد. زنی که به مرد تغییر جنسیت داده ممکن است بعد از عمل به امتیازات و... مرد بودن واقف شود و لذت ببرد. این احساسات ممکن است به تدریج باعث شوند نسبت به مرد بودن خود به خیال خویش، بیشتر شکرگزار خداوند شود و از این جهت بر تقوا، خویشتن داری، تدین، تقویت اعتقادات، و... بیفزاید. برعکس همانگونه که اشاره گردید ممکن است وضعیت فرد را وخیم تر نماید.



انگیزه ها و محرک های تغییر جنسیت: اندیشیدن به مسأله تغییر جنسیت روشن گر وجود انگیزه ها و محرک های فراوانی برای مسأله تغییر جنسیت می باشد. می توان به- انگیزه درمانی، شهوانی، عشقی، انتقام، ترویج فحشا، علاقه ذاتی به جنس مخالف، ارتکاب جرایم خشن، خود نمایی، جذابیت، در آمد و ثروت، رسیدن به محبوب، تنوع طلبی، ولخرجی و... اشاره نمود.

انگیزه درمانی: بسیاری از افرادی که هم از جهت جسمی و فیزیولوژیکی و هم از جهت خلیات و ویژگیهای روحی روانی شخصیت دوگانه دارد و پزشکان وضعیت آن ها را تأیید نموده اند، تغییر جنسیت می دهند. از این افراد می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

۱- افراد دو جنسی (خنثی مشکل):

۲- افرادی که بیش از ۵۰ درصد ویژگی های جسمی یا روانی آن ها مردانه است؛

۳- افرادی که بیش از نصف خلیات آن ها زنانه است؛

۴- افرادی که به دلایلی مانند تصادف، حریق و... دچار مشکلاتی بدنی شدید می شوند و ترجیح می دهند برای بهبود وضع، تغییر جنسیت می دهند. باید توجه داشت تغییر جنسیت های درمانی از جهت جرم شناسی، بی اهمیت نیستند و نمی توان نسبت به آن ها بی توجه بود.

انگیزه ارتکاب جرائم خشن: برخی افراد که تبهکار حرفه ای اند و حالت خطرناک آنها فوق العاده بالاست و ناسازگاری اجتماعی در آنها به شکل ویژه در آمده، گاه برای پیشرفت کار خود و راحتی در ارتکاب جرائم مورد نظر، یا جرائم جدید، راه حل را (تغییر جنسیت) می بینند. پسری را می توان تصور کرد که بعد از مدت ها سرقت و حبس کشیدن دوره ای، به خود می گوید باید جهت پیشرفت کار و افزایش در آمد، اقدام به بچه دزدی کنیم. خوب که فکر می کند متوجه می گردد و لازمه این کار این است که یا به شکل دختری در زایشگاه ها و... در بیاید یا این که تغییر جنسیت دهد؛ به این نتیجه می رسد که راه حل مطمئن تر تغییر جنسیت است که دیگر برگشت ندارد و مطمئن تر از ظاهرسازی است؛ لذا اقدام به این کار می کند تا بتواند با نفوذ در میان اجتماعات زنانه، (زایشگاه، بیمارستان های زنانه، باشگاه های زنانه، حمام های زنانه) اقدام به بچه دزدی کند. دختری هم که علاقه مند به ارتکاب قتل های خشن با سلاح سرد یا گرم است یا

شیفته سرقت های جنجالی است به پسر تغییر جنسیت می دهد که بتواند آسوده تر با قوتی مضاعف اقدام به سرقت و قتل نماید.

انگیزه خودنمایی: گاه برخی پسران به دلیل امراض روحی روانی، ناپختگی، زیبایی، در آنها این احساس پیدا می شد که باید تا جایی که ممکن است خود نمایی کنند و توجه دیگران را به خود و به ظاهر زیبای خود جلب کنند. اینان متوجه می شوند دختران در این کار بسیار بهتر می توانند به خودنمایی بپردازند ضمن اینکه، آرایش و خودآرایی پسران در میان دوستان و در خیابان ها و معابر وجهه مطلوبی ندارد و هر چه قدر هم که تلاش کنند بالاخره مردند و نمی توانند همانند دختران که جذبه خاصی دارند و در جلب نظر مخاطب بسیار قوی اند و محبت دیگران را به سادگی می ربایند بنا براین افکار و نتیجه گیری، پسران مذکور را به دختر شدن به واسطه تغییر جنسیت سوق می دهد.

انگیزه شهرت: برخی نیز پیدا می شوند فقط برای این که اطرافیان آن ها متعجب شوند و بدین وسیله در بین آنها مشهور شوند، اقدام به تغییر جنسیت می نمایند. می توان تصور کرده دختری در یک شهر سنتی، برای مشهور شدن در میان فامیل و دوستان اقدام به تغییر جنسیت می نماید.

### عناصر سیاست قضائی تأثیرگذار بر تغییر جنسیت در حقوق کیفری ایران

در این بحث به بیان نکات لازم در خصوص برخورد سیاست قضایی ایران و نقش و کارکرد آن، در ارتباط با تغییر جنسیت سخن خواهیم گفت. سیاست قضایی در بسیاری از مسائل کیفری و جرم شناسی مؤثر می باشد و ما در این بخش می کوشیم به سوالات زیر پاسخ دهیم:

- ۱- کدام دسته از عناصر سیاست قضایی می بایست با ایفای نقش بر (تغییر جنسیت) تأثیرگذار باشند؟
- ۲- سیاست قضایی از چه راه هایی می تواند بر تغییر جنسیت اثرگذار باشد؟
- ۳- اندیشمندان، صاحب نظران، متخصصان چگونه می توانند به یاری سیاست قضایی در خصوص تغییر جنسیت بشتابند؟
- ۴- تدوین سیاست قضایی مؤثر چگونه می تواند تغییر جنسیت های غیرمشروع را کاهش دهد؟

- ۵- آیا سایر دستگاه‌ها از جمله دستگاه‌های اجرائی می‌توانند در تدوین سیاست قضایی مفید جهت تغییر جنسیت، نقش ایفا کنند؟
- ۶- چگونه سیاست قضایی صحیح می‌تواند از جهت جرم‌شناختی، خطرات تغییر جنسیت‌ها (اعم از مشروع، نامشروع) را به حداقل برساند.
- ۷- تهیه و تصویب قوانین مناسب براساس سیاست قضایی مدبرانه تا چه اندازه می‌تواند مسئله تغییر جنسیت را جهت دهی نماید؟

به نظر می‌رسد هر کدام از اجزای تشکیل دهنده دستگاه، بعنوان عناصر و عوامل مؤثر در تدوین سیاست‌های قضایی می‌توانند مسأله (تغییر جنسیت‌ها) را به شکل راهبردی تحت الشعاع خود قرار دهند. از این میان می‌توان به: رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان عالی کشور، سازمان پزشکی قانونی، قضات (اعم از دادیاران، بازپرسان، دادرسان دادگاه‌ها) اشاره نمود.

رئیس قوه قضائیه و دیوان عالی کشور: این دو مقام به لحاظ مطلع بودن از آمار و اطلاعاتی که در خصوص پرونده‌های تغییر جنسیت، دو جنسیتی‌ها وجود دارد. می‌توانند به تدوین آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های مربوط به تغییر جنسیت اقدام نمایند. مثلاً رئیس قوه قضائیه با مأمور نمودن تعدادی از پزشکان، روانپزشکان می‌تواند به گروه ویژه‌ای جهت ارائه پیشنهادهای و نظرات و دیدگاه‌ها دستور لازم را صادر نماید که ایشان جوانب امر در خصوص:

- ۱- مواردی که تغییر جنسیت از جهت پزشکی، درمانی مجاز است؛
- ۲- پیش شرط‌های تغییر جنسیت؛
- ۳- مسائلی که بعد از تغییر جنسیت پیش می‌آید؛
- ۴- خطرات احتمالی این موضوع را مورد بررسی و کارشناسی قرار دهند.

رئیس قوه ضمن اخذ پیشنهادهای مؤثر از مقامات دیگر همچون رئیس دیوانعالی کشور، وزارت اطلاعات نظرات کارشناسان و پزشکان را با آنها تلفیق نموده و در خصوص تدوین بخشنامه‌ها یا ارائه پیشنهادهای مفید به مجلس، اقدامات لازم را انجام دهد.

سازمان پزشکی قانونی: این سازمان که وابسته به قوه قضائیه می باشد یکی از بازوهای مهم سیاست قضائی مرتبط با تغییر جنسیت است. سازمان پزشکی قانونی کل کشور باید با در اختیار داشتن صورت وضعیت پرونده های تغییر جنسیت (تصادفی ها، بیماران روانی و فیزیولوژیکی و...) که در سازمان های پزشکی در قانونی استانها و بیمارستان ها تخصصی موجود است، همه موارد را به تفکیک کارشناسی و فهرست نماید و ضمن ارائه پیشنهاد های لازم به رئیس قوه قضائیه و مجلس و... اینها را در تدوین سیاست قضایی مؤثر در خصوص تغییر جنسیت یاری دهد. به عنوان مثال عناوین کلی تفکیک پرونده های تغییر جنسیت که توسط سازمان پزشکی قانونی تهیه می گردد و مورد تأیید قرار می گیرد می تواند بدین شکل باشد.

- ۱- تغییر جنسیت های تصادفی یا ناشی از حوادث: ۱- رانندگی ۲- ورزشی ۳- در حین کار؛
- ۲- تغییر جنسیت های افراد خنثی مشکل؛
- ۳- تغییر جنسیت های افراد خنثی مایل به زن ۱- با ۵۰ درصد تمایل ۲- با ۳۰ درصد تمایل ۳- با ۲۰ درصد تمایل ۴- و...؛
- ۴- تغییر جنسیت های افراد خنثی مایل به مرد؛
- ۵- تغییر جنسیت های افرادی که خلقیات زنانه دارند ۱- بسیار شدید ۲- شدید ۳- متوسط ۴- و ...؛
- ۶- تغییر جنسیت های افرادی با وجود زن بودن خلقیات مردانه دارند.

مشاهده می گردد پزشکی قانونی با همکاری بیمارستان ها و... اطلاعات مناسبی می تواند در اختیار مقامات مسئول قرار دهد که این ها بتوانند به درستی تصمیم گیری نمایند و راه حل های صحیح اتخاذ نمایند.

قضات: در خصوص قضات دادگاه ها هم نمی توان نقش آنها را در تدوین سیاست قضائی مؤثر در مورد تغییر جنسیت نادیده گرفت:

قضات علاقه مند به مبحث تغییر جنسیت هم می توانند نظرات خود را به واحد تحقیقات ویژه و پژوهش قضائیه منعکس کنند، هم ضمن قضاوت خود، بررسی پرونده های مربوط به تغییر جنسیت، از آنها انتظار می رود. اولاً: از نظر صاحب نظران و کارشناسان استفاده نمایند، ثانیاً: روحیات و اختلالات و دلایل افرادی که خواهان اعمالی

از قبیل تغییر جنسیت می‌باشند، به دقت بررسی نمایند و سریعاً هر چیزی را رد یا قبول نکنند زیرا افرادی به هر حال پیدا می‌شوند که با ظاهرسازی و ارائه دلایل جعلی و... خواستار تغییر جنسیت می‌شوند. قضات می‌توانند گزارشی از پرونده‌های مطروحه به دادگستری کل ارسال نمایند و در تدوین سیاست قضایی مربوط به تغییر جنسیت نقش خود را ایفا نمایند.

باید توجه داشت قضات دادگاه‌ها می‌توانند پیشنهادهای زیر را به رئیس دادگستری ارائه دهند:

الف) اختصاص حداقل شعبه‌ای از دادگاه جزایی یا ... به رسیدگی به پرونده‌های خاص تغییر جنسیت؛

ب) برگزاری کارگروه ویژه تغییر جنسیت در دادگستری با دعوت از استادان دانشگاه؛

ج) جلسه‌توجهی قضات و دارندگان پرونده قضایی در خصوص تغییر جنسیت؛

د) توزیع کتاب‌ها و نرم افزارهای مربوط به مسائل مختلف تغییر جنسیت در بین دادرسان؛

هـ) دعوت از صاحب نظران و متخصصان جهت برگزاری جلسه پرسش و پاسخ در مورد تغییر جنسیت؛

و) استفاده از تجربیات پزشکان خارجی و... با برگزاری سمینارهای تخصصی و علمی در خصوص زوایای علمی، روان‌شناختی و... تغییر جنسیت.

### نتیجه‌گیری

بررسی مسأله تغییر جنسیت، نه تنها از دیدگاه کیفری و پزشکی، بلکه بلحاظ مباحث فقهی نیز حائز اهمیت است. اگر چه در گذشته این مباحث کم و بیش وجود داشته، ولی اکنون با پیشرفت تکنولوژی و علم پزشکی، ابعاد جدیدتری در فراروی ما گشوده شده است و در نتیجه آن، ده‌ها موضوع جدید ایجاد شده که نیاز است در فقه و حقوق، برای آنها جواب‌هایی ارائه گردد.

تغییر جنسیت به معنی اصلاح و دگرگونی جنسیت بگونه‌ای که زن به مرد و یا برعکس تبدیل گردد و یا تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مرد یا زن می‌باشد. مهمترین پرسش در بحث تغییر جنسیت، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت یا همان «مشروعیت یا عدم مشروعیت» است؛ از آنجایی که متقاضیان تغییر جنسیت دو گروه می‌باشند و گروه

اول بیمارانی هستند که دارای اختلالات جسمی می باشند؛ یعنی همان «افراد خنثی» و گروه دوم بیمارانی که دارای اختلالات روح و روانی هستند؛ یعنی همان افراد «ترانس سکشوال»؛ لذا تغییر جنسیت، ارتباط تنگاتنگی با بیماریهای جسمی و روحی دارد. در حالت اول، یعنی در افراد خنثی، در صورتی که جنسیت غالب مشخص گردد، تقریباً همه فقها چه شیعه و چه اهل سنت، قائل به جواز تغییر جنسیت این گروه هستند و در حالت دوم «ترانس ها» یعنی افرادی که از نظر ظاهری سالم ولی از نظر روحی و روانی دچار اختلال هویت هستند، اختلاف وجود دارد و تقریباً تمام فقهای اهل سنت با آن مخالفند، ولی اکثریت فقهای شیعه با این عمل موافق هستند. قائلین به جواز معتقدند از آنجایی که این افراد با عسر و حرج و اضطراب روبه ور هستند، تغییر جنسیت برای این افراد جایز است، البته اکثریت این گروه از فقها نیز معتقدند که این عمل نباید با ملازمات حرام مانند لمس و نظر همراه باشد، ولی چنانچه بیمار به این عمل اضطراب داشته باشد به گونه ای که راه دیگری جز عمل تغییر جنسیت برای درمان وجود نداشته باشد، در این صورت ملازمات حرام نیز برای وی وجود نخواهد داشت.

تغییر جنسیت طلبی و میدل پوشی، دو نوع از انواع انحرافات جنسی می باشند. در تغییر جنسیت طلبی، فرد علاقه مبرم و شدیدی دارد که به جنس مخالف خود تبدیل شود و اگر این عمل رخ ندهد، ممکن است خودکشی کند. تغییر جنسیت از نظر برخی از فقها مجاز دانسته شده است، لیکن برخی دیگر از فقها به شدت آن را نهی کرده اند. قوانین برخی از کشورها به طور مشروط یا مطلق، تغییر جنسیت را مجاز دانسته اند و در حال حاضر نیز در کشور ایران با گواهی پزشکی قانونی این عمل انجام می گیرد. میدل پوشی نیز انحرافی است که فرد از جنس خود راضی است، اما تمایل به پوشیدن لباس جنس مخالف را دارد و تنها از این طریق به انگیزش جنسی دست می یابد. میدل پوشی از نظر فقهی جایز نیست و فقها آن را تجویز ننموده اند. در صورتی که فردی به صورت علنی اقدام به میدل پوشی کند، به عنوان یک جرم جریحه دار کننده عفت عمومی، قابل مجازات است. اما به هر حال باید پذیرفت که برخی از میدل پوشان و حتی تغییر جنسیت طلبان، بیمار هستند و نیاز به درمان دارند و صرف اعمال کیفر و مجازات در مورد آنان بی نتیجه خواهد بود.

یکی از مهمترین دلایل برای عدم مشروعیت تغییر جنسیت از نظر مخالفین، تغییر جنسیت در افراد ترانسی «پدید آمدن تغییر در خلقت خدا» می باشد که این گروه به آیه

۱۱۹ سوره نساء استناد نموده اند و معتقدند که تغییر جنسیت، موجب تغییر در خلق خداست؛ ولی به نظر می‌رسد به توجه به کلام مفسرین شیعه و سنی و نظر فقها در این موضوع، این آیه شریفه ناظر بر بحث تغییر جنسیت نمی‌باشد، بلکه کار گروهی را نهی می‌کند که نعمت‌های حلال خداوند را بر خود حرام می‌کردند، ضمن اینکه اگر تبدیل و دگرگونی در خلق خدا حرام باشد، لازم می‌آید که تمام تغییراتی که بشر در اشیای دنیا به وجود می‌آورد حرام باشد و یا اینکه اعمال جراحی زیبایی نیز حرام می‌باشد.

قانونگذاران ما در خصوص مسائل جزائی مرتبط با تغییر جنسیت، توجه خاصی مبذول نموده اند و وجود تصورات و فروض خاص مسأله تغییر جنسیت در مورد دیات، حدود و... لازم می‌نماید در این مورد چاره‌ای اندیشیده شود تا ابهامات موجود برطرف گردد. بیشتر مسائل مطرح شده توسط حقوقدانان کیفری در خصوص تغییر جنسیت حاصل استنباط از برخی قواعد کلی و احتمالات موجود است. پژوهش‌ها عموماً تحلیلی و نظری است و لازم است مقنن با بررسی همه جانبه‌ی قوانین جزایی، ارتباط آن‌ها با مسأله تغییر جنسیت را هم مورد اندیشه و تفکر قرار دهد و قانون و مقرراتی تصویب نماید. با توجه به مطالعات انجام شده و یافتن یافته‌های پژوهش‌گران، درباره مکانیسم تأثیرگذاری عوامل زیست‌شناختی و ژنتیکی بر رفتار مجرمانه و اثبات دست‌کم تأثیر برخی از عوامل مذکور بر برخی از رفتارهای مجرمانه و انحرافات رفتاری به حقوق دانان، جرم‌شناسان و ژنتیک‌شناسان پیشنهادی ارائه می‌شود:

به حقوقدانان؛ پیشنهاد می‌شود مطالعات عمیق‌تری بر درجات مسؤولیت کیفری انجام شود و از طرف دیگر میزان تأثیرگذاری‌های زیستی و ژنتیکی را بر مسؤولیت کیفری مشخص کنند و چنانچه مواردی یافتند که همچون درجات جنون سلب مسؤولیت کیفری فرد مختار باشند به قانونگذار توصیه کنند که آن موارد را بر عوامل رافع مسؤولیت کیفری بیفزاید. از طرف دیگر عوامل زیستی و ژنتیکی‌ای را که می‌توانند تخفیف‌دهنده مجازات فرد مجرم باشند شناسائی کنند و پیشنهاد درج آنها را در زمره کیفیات تخفیف مجازات بنمایند.

به جرم‌شناسان؛ پیشنهاد می‌شود با توجه به تأثیرگذاری‌های اثبات شده در چند حیطه مطالعات عمیق و گسترده‌ای انجام دهند و نتایج مطالعات خود را در قالب مقالات، منشورها و توصیه‌نامه‌هایی به مسؤولان مربوط به اجرای مقررات پیشگیری از جرم ارائه کنند. از جهت پیشگیری اجتماعی از جرم پیشنهاد می‌شود مطالعات کاربردی در

مورد مداخله در محیط‌های اجتماعی عمومی (مانند محیط‌های فرهنگی و اقتصادی) و محیط‌های شخصی افراد جامعه انجام دهند تا زمینه‌های عوامل جرم‌زا از جهت زیستی و ژنتیکی را بهتر شناسایی کنند و اقدامات خود را ساماندهی کنند تا بتوانند آثار این عوامل را بهتر بشناسند و راه حل‌هایی برای خنثی‌سازی و کنار زدن آنها ارائه کنند.

### پیشنهادها

علاوه بر پیشنهادهای جزئی و... که لابه‌لای مطالب پیشین ذکر شد، چند پیشنهاد زیر نیز به عنوان پیشنهادهای نهایی میان می‌گردد.

الف) از جهت مسائل حقوق مدنی، بیشتر از مسائل جزائی در کتاب‌ها و مقالات، به مسأله تغییر جنسیت پرداخته شده انتظار می‌رود در مسائل جزائی نیز، بیشتر به آن توجه گردد.

ب) پیشنهاد می‌گردد قوه مجریه و مقننه، جهت بررسی بهتر و مطالعه همه جانبه تر، نگاهی به قوانین جزایی کشورهای دیگر در خصوص تغییر جنسیت بنماید.

ج) از حیث جرم‌شناختی، پیشنهاد می‌گردد، تحقیقات میدانی وسیعی صورت بگیرد که جهت انجام زوایایی بیشتر این روش تحقیق با هماهنگی قوه قضائیه، برای هر یک از افرادی که تغییر جنسیت می‌دهند (اعم از مشروع نامشروع) یک پرونده‌ی شخصیت اختصاصی تشکیل دهد.

استفاده از نظر متخصصان داخلی و خارجی در خصوص تغییر جنسیت جهت پیش برد سیاست قضائی مؤثر؛ تجربیات و نظرات علمی تخصصی پزشکان، روانشناسان، کارشناسان امار، مدد کاران، نیروهای پلیس همگی اعم از داخلی و خارجی در خصوص مسأله تغییر جنسیت را نمی‌توان انکار کرد. از قوه قضائیه انتظار می‌رود نظرات این گروه را اخذ و مورد بررسی و استفاده قرار دهد. یکی از مواردی که قوه قضائیه باید به آن توجه کند تدوین بخش نامه‌هایی برای دقت و توجه نیروهای پلیس و... به موضوع افرادی است که تغییر جنسیت می‌دهند. بسیاری از این افراد اقدام به سو استفاده و فریب و جعل و... می‌گردند و ممکن است با اغفال و اشتباه نیروهای پلیس دست به کارهایی از قبیل موارد زیر بکنند:

۱) جعل و تهیه دو شناسنامه، دو گذرنامه، دو کارت شناسایی و... و به کارگیری آنها در...

۲) استفاده از امتیازات مالی (وام، تسهیلات و...) با دو شناسنامه (مؤنث - مذکر)



- ۳) بهره برداری از سهمیه‌های کالا، خدمات مختلف ارائه شده توسط شهرداری، هلال احمر و ... با دو جنسیت.
- ۴) کلاهبرداری و اغفال افراد مختلف از طریق ظاهرسازی (زن - مرد) در دو شرکت مختلف.
- ۵) به کارگیری و راه اندازی چند خط تلفن همراه با دو جنسیت و اغفال افراد از این طریق
- ۶) راه اندازی و استفاده از داده‌های کامپیوتری و مخابراتی شبکه، با دو اسم مؤنث و مذکر و بهره برداری اطلاعاتی، مالی و ...
- ۷) ثبت نام در آزمون‌های مختلف علمی، و خرید وسایل نقلیه و ... با دو اسم متفاوت.
- ۸) دریافت دو حقوق با دو کد پرسنلی، ولو برای مدت موقت از دو اداره یا مؤسسه دولتی.
- ۹) دریافت حق بیمه مضاعف از بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیمه‌هایی که متولی خسارات وسایل نقلیه‌ی دیات و ... اند با دو نام مؤنث و مذکر.
- ۱۰) دریافت و استفاده از نشان‌ها و علامات دولتی با دو جنسیت (بصورت متناوب) جهت نیل به مقاصد مجرمانه.
- ۱۱) نوشتن مقالات گمراه کننده با دو نام مؤنث و مذکر و اغفال مخاطبان.

مسائل و مثال‌های فراوانی از این دست می‌توان زد که قطعاً هوشیاری قوه قضائیه و تدوین سیاست قضائی مؤثر از طریق آموزش به نیروهای پلیس و ... را می‌طلبد زیرا امکان سوء استفاده توسط افراد شیاد و فرصت طلب بسیار است.

نقش سیاست قضایی در به حداقل رساندن خطرات تغییر جنسیت‌های نامشروع؛ هنگامی که صحبت از سیاست قضائی می‌گردد باید مباحث اجتماعی و فرهنگ سازی و ... هم پیشنهاد کنید. تغییر جنسیت از این مسئله مستثنا نیست. لذا سیاست قضایی ایجاب می‌کند برای جوانانی که مورد مطالعه قرار گرفته و احتمال تغییر جنسیت نامشروع در آن‌ها می‌رود، ضمن شناسایی دقیق و تهیه فهرست، اقدامات زیر صورت گیرد:

الف) کمک به اشتغال آن‌ها در صورت آماده کار بودن و عدم یافتن شغل مناسب؛

ب) فرهنگ سازی و ارائه جزوات آموزشی در خصوص مبارزه با تهاجم فرهنگی؛

ج) تقدیر و نکوداشت آن دسته از افرادی که احتمال تغییر جنسیت در آنها می‌رود لیکن به فعالیت‌های علمی، عالم‌المنفعه و ... پرداخته‌اند؛

- (د) برگزاری اردوهای مفرح همراه با اهدای جوایز جهت جلوگیری از تقویب تمایل به تغییر جنسیت؛
- (ه) برگزاری کلاسهای توجیهی در خصوص ویژگی های مذکر و مؤنث و خطرات تغییر جنسیت نامشروع؛
- (و) آشنا نمودن این افراد با مضرات جسمی و عوارض و زیان های اجتماعی تغییر جنسیت؛
- (ز) دعوت از افراد مایل به تغییر جنسیت برای بیان نظرات آنها و اخذ پیشنهادهای و انتقاداتی که ممکن است مطرح کنند؛
- (ح) کمک مالی به افرادی که تحت هر شرایطی با نامه ی پزشک، درخواست تغییر جنسیت دارند؛
- (ط) راهنمایی افراد علاقه مند به تغییر جنسیت به واحدهای مددکاری اجتماعی، مشاوره و ...؛
- (ی) تشکیل کمیته ای برای جستجو و شناسایی افرادی که به فکر تغییر جنسیت اند ( در پارتی ها، معابر، مکان های حضور افراد شیطان پرست و ...)
- (ک) تشکیل میزگرد توجیهی - تخصصی با پزشکانی که متولی صدور اجازه عمل تغییر جنسیت می باشند (جهت اخذ دیدگاه ها و متقابلاً بیان شرایط قانونی توسط مسؤولان قوه قضائیه)؛
- به نظر می رسد تهیه و تصویب قوانین مناسب براساس سیاست قضایی مدبرانه بسیار حائز اهمیت است. اگر ما در خصوص زوایای مختلف تغییر جنسیت قانون نداشته باشیم نمی توانیم به سادگی برنامه ریزی کنیم و هم خود و هم دیگران را دچار سر در گمی خواهیم نمود. اگر قانونی در این خصوص وضع شود و سوالات و ابهامات موجود با کمک نظرات فقهی مراجع پاسخ داده شود قدمی در این راه برداشته خواهد شد و می توان به تدریج تغییر جنسیت های مفسد را کنترل نمود.

**منابع:**

- آقابخش، حبیب (۱۳۷۸)، اعتیاد و آسیب شناسی خانواده، رویکرد مددکاری اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان
- افراسیابی محمداسماعیل (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ سوم.
- تامسون (۱۹۹۴)، ژنتیک پزشکی تامپسون، ترجمه نخعی، محمد، ۱۳۸۳، تهران، شهرآب
- حکمت، سعید (۱۳۷۰)، روانپزشک کیفری، تهران، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۴)، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، چاپ اول، انتشارات کیهان.
- عبدی، عباس (۱۳۷۱)، آسیب شناسی اجتماعی تأثیر زندان بر زندانی، انتشارات نور.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۴۳)، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ اول
- کریمی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، تهران.
- کی نیا، مهدی (۱۳۴۶)، علوم جنایی. جلد سوم. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند (۱۹۸۸)، جرم شناسی کاربردی. ترجمه کی نیا، مهدی، ۱۳۷۰. تهران. ناشر مترجم.
- لارنس ا، پروین (۱۳۷۴)، روانشناسی شخصیت، ترجمه: محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، انتشارات رسا، جلد اول.
- مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، آسیب شناسی اجتماعی ایران «جامعه شناسی انحرافات» تهران، انتشارات نوبل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹)، اهداف مجازات در جرایم جنسی، چشم اندازی اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آل غازی ملاحویش عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، مطبعة الترقی. دمشق.
- ابن براج قاضی، المهدب، موسسه نشر اسلامی، بی تا.
- الخوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷)، مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، موسسه احیاء آثار امام خوئی.

- عوده، عبدالقادر(۱۹۹۸)، التشریح الجنائی الاسلامی. جلد اول. موسسه الرساله.
- محقق حلی(۱۹۹۰)، سلسله ینابیع الفقیه، شرایع الاسلام، علی اصغر مروارید، بیروت، دارالاسلامیه، الطبعة الاولى.
- محقق الحلی، نجم الدین جعفر بن الحسن(۱۹۸۳)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، دارالهدی للطباعة والنشر، الطبعة الثالثة.
- آقابخشی، حبیب(۱۳۷۶)، نظریه های آسیب شناسی اجتماعی، جزوه، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- خراطها، سعید (۱۳۸۲)، ساختار روسپیگری در محله قربت، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات انجمن جامعه شناسی ایران، جلد پنجم.
- فراهانی، نیتا؛ برنت، ویلیام؛ اکرمی، سید محمد؛ باستانی، امیر(۱۳۸۶)، ژنتیک رفتاری در اعمال مجرمانه گذشته، حال و آینده. در حال چاپ.
- محمودی جانکی، فیروز(۱۳۸۲)، اصول و شیوه های جرم انگاری، رساله دکتری، به راهنمایی: محمد آشوری. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- Allan GF, Leng XH, Tsai SY,(1992), et al. Hormone and antihormone induce distinct conformational changes which are central to steroid receptor activation. J Biol Chem; 267:19513-19520.
- Arbuckle NP, Dauvois S, Parker MG.(1992), Effects of antiestrogens on the DNA binding activity of estrogen receptors in vitro. Nucleic Acids Res; 12:3839-3844.
- Barry. (1995), Kathleen “The Prostitution of Sexuality”, New York Univ. Press.
- Berne RM,(1993), Levy MN. Physiology: Mosby.
- Browen EJ, Scheriber SL.(1996), A signaling pathway to translational control. Cell; 86:517-520.
- Burgaud JL, Baserga R.(1996), Intracellular transactivation of the insulin - like growth factor 1 receptors by an epidermal gfovyth factor receptor Exp Cell Res; 223:412-419.
- Daley, Suzanne.(2002), “New Rights for Dutch Prostitutes, But No Gain”, New York Times, August 12.

- 
- De Meyts P, Urso B, Christoffersen C,(1995), et al. Mechanism of insulin and IGF I receptor activation and signal transduction specificity. *Annu Acad Sci*; 766:388-401.
  - De Vos AM, Ultsch M, Kossiakoff AA.(1992), Human growth hormone and extra cellular domain of its receptor: crystal structure of the complex. *Science*; 255:306-312.
  - Evans RM. (1992), the steroid and thyroid hormone receptor superfamily. *Science*; 240: 889 - 895.
  - Ganong WF.(1996), *Review of Medical Physiology*: Appleton & Lange.
  - Greenspan FS.(1991), *Basic & clinical Endocrinology*: Appleton & Lange.
  - Heller-Harrison Ra, Morin M, Czech M. Insulin regulation of membrane associated.

